

دولت و ملت در افریقای جنوبی:

حکومت سیاهان و رفتار سیاسی سفید و سیاه

فرامرز رفیع پور*

چکیده

افریقای جنوبی بعد از ۳ قرن و اندی سلطه سفیدان بر سیاهان، در پی فشار بین‌المللی، با انتخابات ۱۹۹۴ حکومت کشور را به سیاهان واگذار کرد. از آن زمان تا کنون گرچه بسیاری از سیاهان ثروتمند و متنعم شدند، اما نتوانستند مسائل کشور را حل و انتظارات مردم حتی سیاه را برآورند. گرچه سفیدان صادقانه خود را ملزم به پیروی از قواعد بازی دموکراتیک می‌دانند، اما سیاهان در بخش غیررسمی، این قواعد را زیر پا می‌گذارند و "جر می‌زنند" و حقوق پذیرفته شده سفیدان را نقض می‌کنند و در بخش رسمی دولت سیاه نسبت به این مسائل حساسیت لازم را نشان نمی‌دهد. در عین حال ناکارآمدی دولت و فساد اداری موجب نارضایتی مردم (حتی سیاه) شده است. به نظر می‌رسد که دولت برای حل مسائل کشور الگوی جامع و کافی نداشته باشد و قدرت تفکر و دانش سیاهان کفاف اداره کشور را در سطح بالای قبلی ندهد. زیرا فرهنگ سیاهان و آموزش آن‌ها اجازه نمی‌دهد که آن‌ها در آن حد لازم برای مدیریت یک کشور پیشرفته رشد نمایند. لذا به نظر می‌رسد اقدامات دولت بیشتر جنبه سیاسی داشته باشد و برای حفظ موقعیت باشد. در این راستا دولت به آن سو می‌رود که برای جلب رضایت مردم سیاه به خواسته‌های آن‌ها مبنی بر گرفتن امکانات سفیدان و واگذاری آن به سیاهان عمل نماید. این اقدام که خارج از قواعد بازی دموکراتیک و قانون اساسی خواهد بود، سفیدان را سخت خواهد رنجاند و آن‌ها را به اقدامات متقابل وادار خواهد نمود. نوع و اندازه این اقدامات بستگی به شرایط مناسب بین‌المللی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: افریقای جنوبی، دولت، احزاب سیاسی، نارضایتی، تضاد نژادی، آموزش و توانمندی سیاه‌پوستان.

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی farfipoor@cc.sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۱۸

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۵، شماره ۵۸-۵۹

افریقای جنوبی بعد از ۳ قرن و اندی سلطه سفیدان بر سیاهان، در پی فشار بین‌المللی، آزادی بیشتر سیاهان را پذیرفت و در انتخابات سال ۱۹۹۴ برای اولین بار به سیاهان حق رأی داد، با این امید و محاسبه که در عین حال در انتخابات برنده خواهند شد. اما نتیجه به طور تعجب‌انگیزی موجب روی کار آمدن سیاهان و به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط آن‌ها شد. زیرا سفیدان نتوانسته بودند کثرت جمعیت سیاهان را درست محاسبه نمایند. نکته مهم این است که انتقال قدرت از سفیدان به سیاهان با ابزار سیاسی و بر اساس قواعد بازی سیاسی انجام گرفت. بر همین اساس نیز سفیدان صادقانه خود را ملزم به پیروی از این قواعد سیاسی و قانون اساسی می‌دانند، هرچند که حکومت سیاه اقدامات ناخوشایندی را نسبت به آن‌ها در پیش گرفته است. این بسیار حائز اهمیت است که بازی بر اساس قواعد دموکراسی است و کسی خارج از این قواعد عمل نمی‌کند و خود را ملزم به پیروی از آن می‌داند؛ با این که در پی این انتقال قدرت، سفیدان تمام امکاناتی را که بعد از صدها سال تلاش و جان باختن به دست آورده بودند به آسانی از دست می‌دهند و همچنان نظاره گر آنند که سیاهان چگونه کشاورزان سفید را می‌کشند، مزارع آن‌ها را تصاحب و به زنان سفید تجاوز می‌کنند. اگر چنین اتفاقی در کشور ما می‌افتاد طرف‌های بازی چگونه عمل می‌کردند؟ آیا خود را ملزم به پیروی از قواعد بازی می‌دانستند و یا آن‌که جر می‌زدند؟ در این بازی دموکراسی از یک طرف درک رفتار سفیدپوستان افریقای جنوبی که خود را جزئی از کشورهای غربی می‌دانند برای فهمیدن رفتار غربی‌ها مفید به نظر می‌رسد و از طرف دیگر چگونگی قواعد بازی و رفتار طرفین در این بازی برای اداره یک کشور به طور دموکراتیک آموزنده است. لذا ما ابتدا ابزار رسمی دموکراتیک، یعنی ساختار احزاب و زمینه‌ها و قدرت آن‌ها را بررسی و به برخی از اقدامات حکومت برای اداره کشور اشاره می‌کنیم. بعد خواهیم دید که مردم (چه سیاه و چه سفید) تا چه اندازه از حکام جدید راضی هستند و چه آینده‌ای را می‌توان برای سیاهان و سفیدان انتظار داشت.

۲. تذکر روشی

شناخت جامعه از طریق خواندن کتاب یا زیستن در جامعه به طور مطلوب حاصل نمی‌شود. جامعه‌شناس مانند پزشکی است که می‌بایست بدن بیمار را از بدن سالم و هم‌چنین نوع بیماری‌ها را تشخیص دهد. روشن است که تا آن پزشک مدل و میزان‌های بدن سالم را نداشته باشد، نمی‌تواند بیماری‌ها و اندازه آن‌ها را در بدن‌ها تشخیص دهد. بدین منظور لازم است که جامعه‌شناسان ایرانی کوشش نمایند تا جوامع دیگر را بشناسند و بر آن اساس، معیارها و میزان‌هایی از جامعه سالم و ناسالم و یا بخش‌های سالم و ناسالم جوامع به دست آورند.

اما از آن‌جا که در شرایط کنونی برای بیشتر جامعه‌شناسان جوانی که در ایران آموزش می‌بینند، امکان زیستن طولانی در کشورهای دیگر میسر نیست، نویسنده کوشش نموده است تا از یک طرف در قالب درس جامعه‌شناسی تطبیقی، دانشجویان دکتري را با شرایط جوامع دیگر آشنا سازد و از طرف دیگر، الگویی مقدماتی ارائه دهد، تا بر اساس آن، جامعه‌شناسان جوان ایرانی بتوانند در قالب سفرهای کوتاه‌مدت، با روشی اکتشافی اطلاعات نظام‌مند و قابل اعتمادی از جوامع دیگر را در زمانی محدود به دست آورند و با شرایط کشور خود مقایسه نمایند. بدیهی است که در طول سفری یک‌هفته‌ای یا ده‌روزه - مثلاً هنگام شرکت در یک سمینار در یک کشور غریبه که گاه انسان به زبان آن نیز آشنا نیست - امکان مطالعه دقیق یک موضوع، بر اساس چهارچوبی تئوریک با یک نمونه‌گیری مشخص و با پرسش‌گران و ابزار مناسب ممکن نیست. لذا باید در این گونه شرایط از روش‌های اکتشافی مشاهده و سپس مصاحبه با افراد مطلع - مخصوصاً به منظور امتحان و اطمینان از برداشت‌های مشاهده شده - استفاده نمود. البته هرچه این مشاهدات و مصاحبه‌ها نظام‌مندتر باشد و با منابع علمی تقویت (بتونیزه) شود، تا زیرساخت قوی بیابد، مناسب‌تر خواهد بود.

باید توجه داشت که این مدل حتی برای آن عده از جوانان ایرانی که در کشورهای دیگر مشغول ادامه تحصیل هستند نیز مناسب است. زیرا آن‌ها بیشتر بر روی تحقیق درباره یک موضوع خاص و محدود متمرکز هستند و نه مطالعه علمی آن جامعه خاص.

مطالعه جامعه افریقای جنوبی نیز در پی دعوتی که مرکز تحقیقات علوم انسانی آن کشور، در فوریه ۲۰۰۷ از نویسنده و چند تن از همکاران به عمل آورده بود میسر گشت. این دعوت به مدت ۷ روز بود که طی آن مشاهدات غیر سیستماتیک انجام می‌گرفت. سپس به کمک و همراهی صمیمانه سفارت ایران، نویسنده توانست آن را جمعاً به ۱۱ روز تمدید کند و طی آن به کمک یک اتومبیل و یک راننده باهوش سیاه‌پوست افریقای جنوبی در یک زمان کوتاه به‌طور سیستماتیک، محیط‌های زندگی و سازمان‌های پیچیده^۱ نظیر مدرسه، بیمارستان، مقرهای پلیس، فروشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، بانک و... را مشاهده نماید. سپس مشاهدات و ادراکات خود را با چند تن از استادان افریقای جنوبی در میان بگذارد، تا اشتباهات ممکن در ادراکات خود را تصحیح نماید. در پایان با استفاده از منابعی که مرکز تحقیقات علوم انسانی آن کشور در اختیار نویسنده گذاشت، این اطلاعات و برداشتها تکمیل گردید.

بر این اساس، ما بخشی از مشاهدات و مطالعات خود را در این مقاله ارائه می‌دهیم و آن وضعیت سیاسی جامعه افریقای جنوبی و رابطه حکومت جدید سیاه‌پوست آن با مردم است. ما می‌خواهیم توانمندی سیاهان در اداره این کشور پیشرفته را بررسی کنیم و ببینیم که مردم تا چه اندازه از وضعیت جدید راضی یا ناراضی هستند.

۳. احزاب سیاسی و پایگاه‌های آنها

ابتدا گفتنی است که در افریقای جنوبی در پی جنگ‌ها و تضادها، گروه‌های مختلف شکل گرفته بودند که در ساختار امروز حکومت بی‌تأثیر نیستند. از یک طرف در طول سال‌های استعمار بین سفیدان هندی‌تبار که در سال ۱۶۵۵ وارد افریقای جنوبی شدند و انگلیسی‌ها که در اوایل قرن نوزدهم وارد این سرزمین شدند، تا سال ۱۹۱۰ جنگ‌ها و درگیری‌های زیاد وجود داشت و انگلیسی‌ها به‌طور سیستماتیک حقوق هندی‌تبارها را محدود می‌کردند. از طرف دیگر در بین قبایل سیاه‌پوست افریقای جنوبی، دو قبیله: یکی قبیله چخوزا و دیگری قبیله زولو، قوی‌ترین قبیله‌ها بوده و هستند که با سفیدان در

^۱ . Complex Organizations

جنگ‌های مختلف مقابله کرده‌اند، اما شدت مبارزه‌های شجاعانه زولوها و صدماتی که آن‌ها به سفیدان زدند، مخصوصاً شکست چشم‌گیری که آن‌ها به انگلیسی‌ها به عنوان تنها ابرقدرت آن زمان وارد کرده بودند، بسیار بیشتر از چخوزاها بوده است. به همین علت نیز سفیدان چخوزاها را بر زولوها ترجیح می‌دهند. باید هم‌چنین توجه داشت که نلسن ماندلا از این قبیله است. در عین حال بین این دو قبیله رقابت و تضاد چشم‌گیر وجود دارد و در گذشته، مخصوصاً در سال‌های ۱۹۸۶ به بعد سفیدان رقابت بین این دو قبیله را دامن می‌زدند.

امروزه این قبایل و قبایل دیگر سیاه و هم‌چنین سفیدپوستان در قالب احزاب زیر به فعالیت سیاسی می‌پردازند:

ANC=African National Congress; کنگره ملی آفریقایی

DA=Democratic Alliance; تجمع دموکراتیک

IFP=Inkatha Freedom Party; حزب آزادی اینکاتا

UDM =United Democratic Movement; جنبش وحدت دموکراتیک

NNO= New National Party; حزب ملی جدید

ACDP=African Christian Democratic; حزب دموکراتیک مسیحی آفریقا

Party

سانوشا نایدو (۲۰۰۶) بر اساس تحقیقی^۱ با ۵۰۰۰ پاسخ‌گو از تمام کشور ابتدا در دو جدول رابطه بین احزاب و نژادها را نشان می‌دهد که گرچه در نظر اول هر دو جدول بسیار شبیه هم هستند، اما نکات جالب و متفاوتی را بیان می‌کنند. در جدول اول او نشان می‌دهد که هر حزب آراء خود را از کدام گروه‌های نژادی کسب می‌کند. در این جا نگاه به جدول باید به هر ستون باشد که برای هر حزب است: (نایدو، ۲۰۰۶: ۴۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ اس. ا. اس. ا. اس (۲۰۰۳)

جدول ۱. آراء احزاب به تفکیک نژادها

ای سی دی پی	ان ان پی	یو دی ام	ای اف پی	دی آ	ان سی	
۲۰	۱۳	۳	۲	۷۶	۰	سفیدان
۲۹	۵۷	۰	۰	۱۱	۵	رنگین پوستان
۳	۶	۰	۱۴	۴	۱	هندی تبار
۴۸	۱۵	۹۷	۱	۶	۷۴	سیاه غیر زولو
۱۳	۹	۰	۸۳	۲	۲۰	سیاه زولو
۰	۱	۰	۰	۱	۰	دیگران
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

به طوری که ملاحظه می شود:

۱. حزب "کنگره ملی افریقا" (ا.ان.سی)، که در سال ۱۹۱۲ تأسیس شده است، آراء خود را بیشتر از جانب سیاه پوستان کسب می کند و در آن میان، نقش قبیله چخوزا^۱ یعنی قبیله نلسن ماندلا بیشتر است. اما قبیله های دیگر نظیر سه سوتو^۲، ستسوانا^۳ و سپدی^۴ تقریباً به همان اندازه در آن سهم هستند. در عین حال ا.ان.سی ۲۰ درصد آراء خود را از قبیله رقیب یعنی زولو به دست می آورد و این قابل تعمق است!
۲. تجمع دموکراتیک (دی.ا) آراء خود را عموماً از سفید پوستان به دست می آورد. در عین حال در این حزب درصد اندکی از سیاه پوستان نیز مشارکت دارند.
۳. حزب آزادی اینکاتا (آی.اف.پی) اکثریت (۸۳٪) آراء خود را از سیاه پوستان قبیله زولو کسب می کند. این حزب یک نوع ملی گرایی زولو و یا حاکمیت زولو را در افریقای جنوبی دنبال می کند.
۴. حزب جنبش وحدت دموکراتیک (یو.دی.ام) در واقع حزب مقابل آزادی اینکاتا است و آراء خود را از سیاهان قبیله های غیر زولویی به دست می آورد.

۱. Xhosa
 ۲. Sesotho
 ۳. Setswana
 ۴. Sepedi

۵. حزب دموکرات مسیحی آفریقایی (ا. سی. دی. پی) درب خود را بر روی همه نژادها باز کرده است.

جدول فوق نشان داد که هر یک از احزاب آراء خود را از چه گروه‌هایی کسب می‌کنند. حالا سؤال مهم‌تر آن است که هر یک از گروه‌های نژادی آراء خود را به کدام حزب می‌دهند و این در جدول دیگری در زیر تنظیم شده است که خواننده باید سطر به سطر آن را در نظر بگیرد (نایدو، ۲۰۰۶: ۴۴):

جدول ۲. توزیع آراء نژادها به احزاب

جمع	دیگر	اسی دی پی	ان ان پی	یودی ام	آی اف پی	دی ا	ان سی	
۱۰۰	۷	۱	۸	۰	۱	۸۲	۲	سفیدان
۱۰۰	۴	۱	۴۴	۰	۰	۱۵	۳۶	رنگین پوستان
۱۰۰	۷	۰	۱۳	۰	۴۵	۱۸	۱۷	هندی تبار
۱۰۰	۳	۰	۲	۲	۰	۱	۹۱	سیاه غیر زولو
۱۰۰	۲	۰	۳	۰	۳۴	۱	۶۰	سیاه زولو
۱۰۰	۰	۰	۱۳	۰	۰	۵۳	۳۲	دیگران
۱۰۰	۳	۰	۷	۱	۹	۱۲	۶۷	جمع آرا هر حزب

چنان که ملاحظه می‌شود، سفیدان ۸۲ درصد از آراء خود را به حزب دموکراتیک می‌دهند. رنگین پوستان و هندی تبارها آراء پراکنده‌ای دارند. اما آن‌ها بیشترین آراء حزب ملی جدید (ان. ان. پی) را تأمین می‌کنند. سیاهان غیر زولویی ۹۱ درصد آراء خود را به ا. ان. سی می‌دهند و بسیار جالب آن است که زولویی‌ها که قبیله‌ای مغضوب و در عین حال بیش از همه موجب نگرانی سفیدان بوده‌اند و هستند، به جای آن که اکثر آراء خود را به حزب زولویی‌ها، یعنی آی. اف. پی بدهند به حزب ا. ان. سی می‌دهند. به عبارت دیگر گرچه در جدول قبل دیدیم که زولوها ۸۳ درصد آراء حزب آی. اف. پی را تأمین می‌کنند، اما در عین حال این حزب در مجموع در انتخابات، آراء زیادی به دست نمی‌آورد و مجموع آراء آن (چنان که از سطر آخر جدول پیدا است) به ۹ درصد کل آراء مردم آفریقای جنوبی می‌رسد و این نشان‌دهنده آن است که سفیدان توانسته‌اند هویت ملی آن‌ها را از ایشان بگیرند و آن‌ها را از خود بیگانه کنند. سطر آخر

جدول نشان می‌دهد که دوسوم (۶۷ درصد) مجموع آراء مردم افریقای جنوبی به حزب کنگره ملی تعلق می‌گیرد و آن حزب اکثر مطلق آراء را داراست. دومین حزب با فاصله زیاد بعد از حزب "کنگره ملی"، تجمع دموکراتیک (ا. دی) توانسته است ۱۲ درصد از آراء را به دست آورد که اکثر آن‌ها متعلق به سفیدپوستان است. پس از آن حزب آزادی اینکاتا (آی. اف. پی) با ۹ درصد آراء قرار می‌گیرد. گرچه آراء این حزب از "هندی تبارها" و قبیله "زولو"ها است، اما جایگاه آن در نظام سیاسی افریقای جنوبی ضعیف است.

در یک مقایسه سنتی مشخص می‌شود که آراء کسب شده برای حزب "تجمع دموکراتیک" که عموماً از سفیدپوستان تشکیل شده است بالاترین درصد آراء در بین افراد ۳۵ سال به بالا بوده است. این به آن معنی است که سفیدپوستانی که در دوران قبل از سال ۱۹۹۴ (یعنی قبل از انقلاب افریقای جنوبی) بزرگ شده بودند، بیشتر به این حزب رأی می‌دهند و امیدوارند از طریق اقدامات سیاسی دموکراتیک به اهداف خود برسند (نایدو، ۲۰۰۶: ۴۵).

از نظر درآمد نیز تفاوت قابل توجهی بین گروه‌های درآمدی و احزاب وجود دارد: چنان که ملاحظه می‌شود ۸۴ درصد از طرفداران حزب کنگره ملی، افراد کم‌درآمد (تا ۱۵۰۰ (هر دلار= ۷ رند Rand) هستند، در صورتی که نسبت افراد پردرآمد در حزب تجمع دموکراتیک بیشتر است و "بدون جواب"، یعنی پاسخ‌ندادن سفیدپوستان باید بیشتر به عنوان درآمد بالا تفسیر شود (نایدو، ۲۰۰۶: ۴۸).

جدول ۳. توزیع درآمد رأی‌دهندگان

درآمد ماهیانه	ادی	ان سی
بدون درآمد	٪۲۴	٪۴۸
۱ تا ۵۰۰ رند	۲	۱۶
۵۰۰ تا ۱۵۰۰ رند	۷	۲۰
۱۵۰۱ تا ۵۰۰۰ رند	۱۶	۴
بیش از ۵۰۰۱ رند	۱۰	۱
بدون جواب/ نمی‌دانم	۴۰	۱۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰

خوب تا این جا مشخص شد که ساختار قدرت سیاسی چگونه است و بازی اصلی در چهارچوب همین ساختار سیاسی انجام می گیرد. حالا این سؤال مهم مطرح است که حکومت جدید سیاهان تا چه اندازه توانسته است خواسته های مردم را برآورد و مردم سیاه و سفید هریک تا چه اندازه از آن راضی هستند؟

۴. کارایی دولت و رضایت مردم

۴.۱. کارایی

بعد از ۱۹۹۴ بر اساس ضوابط و معیارهای بین المللی واردات محصولات در سال ۲۰۰۵ با ارزش (۳۴۸۱۳۸ میلیون رند) بیشتر از صادرات با ارزش بوده است (دانیل و دیگران، ۲۰۰۷: ۵۱۵)، توزیع درآمد (۶۰= ضریب جینی) هم چنان بسیار ناعادلانه است و بیکاری به شدت افزایش یافته و به ۲۸ درصد رسیده است (نیکلی، ۲۰۰۷: ۱۸۲). معیارهای دیگر و مشاهدات نیز همین روند را تأیید می کنند. مصاحبه با افراد مختلف این نظر را در پی داشت که افراد حاکم سیاه پوست قادر نیستند این کشور پیشرفته را که بر اساس معیارها و ضوابط غربی در آن سطح بالایی که بود و سفید و سیاه هم چنان همان انتظار را دارند، در همان سطح اداره کنند. استادان و دانشمندان مختلفی که در دانشگاه ها مورد مصاحبه قرار گرفتند و از ذکر نام آن ها خودداری می شود، همگی بر این نظر بودند که در وزارتخانه ها در همه سطوح بالا و پایین افراد ناتوان بر سر کار آمده اند. آن ها ضعیف و بی فایده هستند و نمی توانند خدمتی برای مردم انجام دهند.

آقای دانیل و همکارانش در تحقیقی (۲۰۰۳، اس. ا. اس. ا. اس) از ۵۰۰۰ پاسخ گو در سطح کشور، توانمندی حکومت را با سؤالات و گویه هایی بررسی کرده است که ما به یکی از آن ها اکتفا می کنیم:

جدول ۴. گویه: حکومت (ادارات) استان ها محل تخریب و اسراف پول مالیات دهندگان است

جمع	سفید	هندی تبار	رنگین	سیاه	
۴۶	۴۵	۵۳	۴۳	۴۷	موافق
۳۱	۳۲	۳۱	۲۵	۳۲	مخالف
۴۹۵۷ نفر	۵۷۰	۱۴۱	۴۳۳	۳۷۷۴	حجم نمونه

(دانیل و دیگران، ۲۰۰۶: ۳۱)

به طوری که ملاحظه می شود همه گروه های نژادی در مورد این مسئله توافق دارند. یکی از سفیدپوستان تشریح می کرد که دولت برای بهبود وضعیت روستاها و اصلاحات زیربنایی (نداشتن آب آشامیدنی و...) پول به استان ها می فرستد. اما پول ها ناپدید می شوند و دولت محلی نمی تواند این مسئله را کنترل نماید.

بدین ترتیب عدم توانایی با فساد نیز پیوند می خورد که در کار آقای کامرر قبلاً تشریح شده بود (کامرر، ۲۰۰۱).

یک ایرانی در رابطه با شیوع فساد به عنوان نمونه می گفت که «شما می توانید در اینجا با ۵۰ هزار رند (تقریباً ۷ هزار دلار) تابعیت بگیرید». به منظور کنترل از راننده سیاه پوستان ماتئو پرسیدم: «آیا این راست است؟» و او پاسخ داد: «به آسانی».

یکی از مسئولان سفارت ایران نیز در این زمینه از موارد مشابهی نظیر گرفتن گذرنامه، اجازه اقامت، اجازه کار با رشوه صحبت و یک ایرانی (که با حکومت ایران رابطه خوبی نداشت) را به عنوان رابط این کار ذکر می کرد. ضمناً او نمونه ای را در مورد دزدی مأمور پلیس از منزل دو ایرانی نقل نمود^۱.

پرفسور دیوول از دانشگاه پریتوریا، فساد را مانند ما در ایران (ر.ک. سرطان اجتماعی فساد) یک پدیده فرهنگی و مبتنی بر نظام ایلی و قبیله ای در بین سیاهان افریقای جنوبی می دید.

چنان که ملاحظه می شود دولت های حاکم بعد از ۱۹۹۴ به نظر نمی رسد نه در کوتاه مدت و نه در میان مدت (با بالابردن دانش و توانمندی سیاهان) توانسته باشند امیدهایی را که در طول انقلاب به وجود آورده بودند، محقق سازند. قاعدتاً برای آنها نیز - مانند هر انقلاب دیگر - واقعیات موجود با نگاه های ایده آلیستی قبل از انقلاب متفاوت و تکان دهنده بوده است. احتمالاً به همین دلیل نیز بوده است که نلسن ماندلا خوشحال بود که به بهانه پیری بتواند از مسئولیت کناره گیری و محبوبیت خود را به

^۱. به دلیل حفظ حرمت افراد از ذکر نام آنها خودداری می شود.

عنوان رهبری معنوی حفظ کند و از آن طریق موجب پیوند سیاهان و استحکام حکومت آن‌ها شود.

۲.۴. رضایت سیاسی

آقای جان دانیل و همکارانش در مقاله‌ای بر اساس ارقام تحقیق ملی (اس.ا.اس.ا.اس، ۲۰۰۳) با نمونه‌ای در حدود ۵۰۰۰ نفر رضایت را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده‌اند که خلاصه آن اینجا ارائه می‌شود:

جدول ۵. رضایت از دموکراسی حجم نمونه=۴۹۵۷ نفر (ص ۲۱)

جمع	سفید	هندی تبار	رنگین	سیاه	
۴۶	۲۸	۳۴	۳۸	۵۰	راضی %
۳۷	۴۷	۴۵	۳۱	۳۷	ناراضی %
نفر ۴۹۵۷	۵۶۹	۱۴۱	۴۳۶	۳۷۹۶	حجم نمونه

جدول ۶. رضایت از مسیر سیاسی N=۲۹۶۱ توزیع مشابه بالا (ص ۲۳)

جمع	سفید	هندی تبار	رنگین	سیاه	
۵۹	۳۶	۳۰	۴۴	۶۵	مسیر درست %
۳۹	۵۸	۶۷	۵۱	۳۴	مسیر غلط %

جدول ۷. بهبود شرایط زندگی از ۱۹۹۹ به بعد N=۴۹۴۲ توزیع مشابه بالا (ص ۲۶)

جمع	سفید	هندی تبار	رنگین	سیاه	
۳۳	۱۳	۲۸	۲۲	۳۸	بهبتر شده %
۳۸	۳۶	۲۲	۳۸	۳۸	تغییر نکرده %
۲۷	۴۸	۴۸	۳۵	۲۲	بدتر شده %

جدول ۸. امید به آینده N=۴۹۲۹ توزیع مشابه بالا (ص ۲۶)

در ۵ سال آینده زندگی آدم‌هایی مثل شما بهتر می‌شود یا بدتر؟

جمع	سفید	هندی تبار	رنگین	سیاه	
۴۳	۱۵	۴۴	۳۹	۴۸	بهبتر می‌شود %
۳۸	۳۶	۱۲	۱۴	۲۲	تغییر نمی‌کند %
۲۲	۴۸	۳۲	۲۳	۱۸	بدتر می‌شود %
۱۳	۹	۱۲	۲۴	۱۲	نمی‌دانم %

به طوری که ملاحظه می شود در مجموع ۴۶ درصد از وضعیت دموکراسی راضی و ۳۷ درصد ناراضی بودند. سیاهان و رنگین پوستان بیشتر راضی و سفیدان و هندی تبارها بیشتر ناراضی بودند. سیاهان مسیر و اقدامات سیاسی کشور را بیشتر درست می دانستند و سفیدان و بقیه نژادها غلط. یک سوم از مردم فکر می کردند وضع نسبت به ۱۹۹۹ بهتر شده است، که این درصد بالایی نیست و البته سیاهان بیشتر در این گروه قرار می گرفتند. ۲۷ درصد بر این عقیده بودند که وضع بدتر شده است که تقریباً همه نژادهای دیگر به جز سیاهان این طور فکر می کردند. در مورد آینده نیز سیاهان خوش بین تر و سفیدان بدبین تر بودند. به تفکیک احزاب، راضی ترها عموماً از حزب ان. سی و ناراضیان بیشتر از حزب دی. ا (حزب سفیدان) و آی. اف. پی (حزب زولوها) بودند.

نویسندگان مقاله خود را با جمله ای آغاز کرده اند که ما آن را به عنوان نتیجه گیری در پایان مناسب تر می دانیم:

"من روز ۲۷ آوریل را که رأی دادم لعنت می کنم. من یک زندگی بهتر را آرزو داشتم، اما از ماهیتابه در آتش افتادم. دموکراسی هیچ کاری انجام نداده"^۱ (دانیل و دیگران، ۲۰۰۶: ۱۹-۳۹).

این نحوه اداره کشور، سطح اعتماد را در جامعه پایین آورده است. آقای دانیل و همکارانش سطح اعتماد در جامعه را در جدولی به تفکیک نژاد نشان داده اند: (دانیل و دیگران، ۲۰۰۶: ۳۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۱ "I curse the day that I voted on the 27th of April. I had my hopes to live in a better life. But from the frying pan into fire. Democracy has done nothing."

جدول ۹. اعتماد به نظام حکومتی (جمع درصد "کاملاً اعتماد دارم" + "اعتماد دارم")

سفیدان	سیاهان	
۲۵	۶۲	دولت ملی
۳۱	۵۴	دولت استانی
۲۸	۴۶	دولت محلی
۲۱	۵۹	مجلس
۴۶	۵۱	بخش خصوصی
۴۰	۴۳	پلیس
۴۵	۷۶	تلویزیون
۷۸	۸۲	کلیسا
۳۹	۶۰	ارتش
۳۷	۴۹	دادگاه
۳۰	۶۲	کمیته انتخابات

به طوری که در جدول شماره ۹ ملاحظه می شود، سفیدپوستان علی‌الاصول اعتماد کمتری به سیستم مدیریت کشور داشتند. بیشترین سطح اعتماد به کلیسا بود. بنابراین مشخص می شود که هم سفیدپوستان مذهبی و هم سیاهپوستان به کلیسا اعتماد دارند. پایین ترین سطح اعتماد سفیدان به مجلس و حکومت مرکزی بود و برعکس سیاهان به این دو نهاد اعتماد بیشتری نشان داده بودند.

گرایش سفیدپوستان را باید از دو نظر تفکیک نمود: یکی منافع شخصی و دیگر حسّ میهن دوستی آن‌ها. از نظر منافع شخصی می توان گفت که به طور نسبی امید سفیدپوستان بیشتر در بخش خصوصی است که آزادانه می تواند تصمیمات خود را بگیرد و کشور را با ابزار اقتصادی کنترل نماید. هم چنین آن‌ها تا اندازه‌ای نیز به رادیو، تلویزیون و پلیس اعتماد دارند. زیرا رادیو و تلویزیون نقش مهمی در سازماندهی ارزش‌های اجتماعی دارد. چنان که نویسنده در زمان اقامت انواع کانال‌های تلویزیونی را مشاهده می نمود، گرچه برای سیاهپوستان برنامه‌های متعدد و کافی و مبتنی بر ارزش‌های آن‌ها پخش می شد، اما برای سفیدپوستان نیز اولاً برنامه‌های کافی و منطبق با

ارزش‌های آنان وجود داشت و ثانیاً در برنامه‌های سفیدپوستان جایگاه بالای ارزشی آن‌ها در نظام ارزشی بین‌المللی حفظ شده بود.

طبعاً دادگاه‌ها، کمیته کنترل انتخابات و مجلس بیشتر در جهت خلاف منافع شخصی سفیدپوستان عمل می‌کردند.

از نظر منافع ملی از آن‌جا که سفیدپوستان عموماً حس میهن‌دوستی بالایی داشتند، توان نیروهای مسلح را (بالاخص در مقایسه با قبل از انقلاب ۱۹۹۴) پایین می‌دیدند.

۵. آینده: آموزش و دانش: آیا سیاهان می‌توانند این کشور را اداره کنند؟

با نگاهی علمی و خوش‌بینانه می‌توان گفت که ناکارآمدی کنونی حکومت و نارضایتی از آن، فرایندی است که در تمام انقلاب‌ها و انتقال قدرت‌ها پیش می‌آید. بنابراین سؤال اصلی آن است که در میان‌مدت یا طویل‌المدت چه خواهد شد. قاعدتاً می‌توان این تصور را داشت که سیاه‌پوستان حاکم، در فکر آینده نیز هستند و برای آن تدبیری اندیشیده‌اند. از آن‌جا که تمام مسائل این کشور مانند همه کشورهای دیگر در درجه اول مسائلی هستند که باید با فکر حل شوند و راه حل برای آن‌ها یافته شود، بنابراین مهم‌ترین اقدام سیاهان افریقای جنوبی باید آن باشد که نیروی متفکر توانمند پرورش دهند. لذا باید دید که آیا آن‌ها در این مسیر موفق هستند یا نه؟

در افریقای جنوبی مانند کشورهای اروپایی و امریکا آموزش از آن نظر اهمیت دارد که به افراد به شرط داشتن صلاحیت (هوش کافی) توانمندی حل مسائل عملی را می‌دهد. بر اساس این توانمندی حل مسائل، آن‌ها به کارهای مختلف در سطوح متفاوت گمارده می‌شوند و می‌توانند هم به ارتقاء کشور خود کمک کنند و هم به ارتقاء فردی خود. از این‌جا بود که راننده سفیدپوست برای کودکستان هر یک از بچه‌هایش ماهیانه ۱۳۰۰ رند می‌پرداخت.^{۲۱}

۱. البته کسانی که در اروپا بوده‌اند می‌دانند که کشورهای اروپایی به عنوان دولت‌های رفاه (Welfare States) برای کودکستان و مدرسه شهریه‌ای دریافت نمی‌کنند و دانشگاه‌ها نیز اخیراً مبلغ ناچیزی در حدود ۱۰۰ یورو در هر ترم شهریه می‌گیرند که قابل مقایسه با امریکا و افریقای جنوبی نیست.

حاکمان جدید سیاه‌پوست آفریقای جنوبی نیز به این عامل خوب توجه دارند و می‌دانند موفقیت آن‌ها در اداره این کشور پیشرفته به توانمندی فکری و تخصصی آن‌ها بستگی دارد.

همین‌جا نیز این سؤال برای ما مطرح بود که چگونه سیاه‌پوستانی که در زمان آپارتاید اجازه دستیابی به دانش را نداشتند، امروزه می‌توانند در همین حد نیز کشور را اداره کنند؟ در مقابل این سؤال، این تصور و فرضیه وجود داشت که گردانندگان اصلی جامعه در پشت پرده هنوز سفیدپوستان هستند. گرچه این فرضیه در بخش خصوصی و اقتصادی آفریقای جنوبی صادق است، اما در بخش دولتی نمی‌توان آن را به‌طور کامل پذیرفت. مشاهدات و مصاحبه‌های ما با سفیدپوستان به این‌جا می‌رسید که سیاهان و هندی‌تبارها افسار اصلی بخش دولتی و حکومتی را در دست دارند.

اما دانش آن‌ها از کجا است؟ هم سفیدپوستان و هم برخی از مسئولان در سفارت ایران بر این نظر تأکید داشتند که این سیاهان افراد عقب‌افتاده و ناتوانی هستند که کشور را به نابودی می‌کشانند. ما برای این فرضیه هم شواهد تأییدکننده یافتیم و هم شواهد ابطال‌کننده. در فرودگاه و در برخی مکان‌های رسمی و غیررسمی سیاه‌پوستانی را مشاهده کردیم که کند و ناتوان به نظر می‌رسیدند. اما از طرف دیگر در مرکز تحقیقات علوم انسانی (اچ. اس. آر. سی) دانشمندان سیاه‌پوستی را دیدیم که گزارش‌های علمی آن‌ها و هم‌چنین رفتار و نحوه استدلال و برخورد آن‌ها در حد دانشمندان اروپایی و امریکایی بود. برخی از اینان که جوان‌تر بودند تحصیلات خود را بعد از ۱۹۹۴ در کشورهای اروپایی به اتمام رسانده بودند و برخی دیگر قبل از انتقال قدرت در کشورهای نظیر کنیا و یا مانند نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی تحصیل کرده بودند. اما آفریقای جنوبی در جذب دانشمندان از هر کشوری (ایرلند، امریکا، کانادا، اسرائیل...) بالاخص تحصیل‌کرده‌های سیاه‌پوست از دیگر کشورهای سیاه‌پوست مانند کنیا نیز فعال بود. با این وصف، دو نکته اصلی به فرایند تحصیل سیاه‌پوستان کمک می‌کرده است:

اولاً حزب ا. ان. سی از قبل با حساب و با تفکر همواره در پی به وجود آوردن یک قشر متفکر برای مدیریت جامعه بوده است و ثانیاً سیاه‌پوستان امریکا در دهه ۱۹۶۰ به بعد، به وضعیت افریقای جنوبی توجه ویژه داشته‌اند و شواهد کافی وجود دارد که رهبران ا. ان. سی همواره با رهبران سیاه‌پوست امریکا در رابطه بوده‌اند. آزادی سیاه‌پوستان در سال ۱۹۶۰ در امریکا و قتل مارتین لوتر کینگ رهبر سیاه‌پوستان امریکا در سال ۱۹۶۸، بر فرایند آزادی سیاهان در امریکا و افریقای جنوبی تأثیر داشته و از آن پس به آن شتاب بخشیده است.

از طرف دیگر در مکان‌های مختلف مشاهده شده (بانک‌ها، دانشگاه‌ها، هتل‌ها، مراکز فروش...) سفیدان و سیاهان و رنگین‌پوستان در یک رابطه رسمی در کنار هم کار و به چرخش چرخ زندگی و جامعه کمک می‌کردند. هرچند که در این کار سفیدان ناراضی‌تر بودند که بعداً به آن پرداخته خواهد شد.

آنچه که مهم است نیاز به متفکران و متخصصان برای اداره جامعه است و سیاه‌پوستان حاکم می‌خواهند که با آموزش سیاه‌پوستان در سطوح مختلف آن‌ها را برای این مسئولیت آماده کنند و نکته بسیار مهم‌تر آن است که برای این منظور سیاهان حاکم از سفیدان برای آموزش سیاهان استفاده می‌کنند! و این نکته بسیار جای تعمق و توجه دارد. در این فرایند رفتار سفیدان و سیاهان جای بررسی دارد:

۱. رفتار سفیدان شامل چند بخش می‌شود:

اولاً سفیدان خود نیز مانند گذشته هم‌چنان به شدت و فعالانه در پی کسب علوم و فنون جدید در سطح کشورهای پیشرفته هستند.

ثانیاً چنان‌که بعداً نیز خواهیم دید، سیاهان امکانات آن‌ها را محدود می‌کنند و در مقابل آن امکانات را در اختیار سیاهان می‌گذارند و این شدیداً موجب دل‌سردی و ناراحتی سفیدان شده است.

ثالثاً سؤال دیگر آن است که سفیدان تا چه اندازه مایلند دانش خود را در اختیار سیاهان قرار دهند؟

سفیدان برای آموزش بهتر فرزندان خود، آن‌ها را با هزینه زیاد به مدارس خصوصی پیشرفته می‌فرستند و سیاهان در مدارس دولتی، بیشتر از معلمان و مدیران سفید استفاده می‌کنند. در بررسی مدرسه دولتی^۱ (اسلاید) در روز ۱۲ فوریه ۲۰۰۷ ساعت ۱۰ صبح در شهر ژوهانسبورگ، دانش‌آموزان سیاه‌پوست (۵۳۹ نفر از ۵۴۴ نفر) توسط ۲۰ دبیر و مربی و مدیر آموزش می‌دیدند که ۱۵ نفر از آن‌ها سفید، ۴ نفر رنگین‌پوست و ۱ نفر سیاه‌پوست بودند.

با این که مدرسه دولتی بود، یک شهریه نسبتاً ناچیز یعنی ۶۵۰۰ رند (در حدود هزار دلار) در سال دریافت می‌شد. نسبتاً ناچیز به این علت که شهریه مدارس خصوصی بسیار بیشتر است.

ساعات آموزش از ۷:۴۵ تا ۱۳:۴۰ و ۵ روز در هفته بود. اضافه بر آن بچه‌ها روزانه بین نیم ساعت (سال اولی‌ها) و ۲ ساعت (سال هفتمی‌ها) کار می‌کردند.

موفقیت این بچه‌ها در دروس ریاضی و علوم در حد ۶۰ درصد بود، یعنی ۴۰ درصد کمتر از ۱۰۰ و این بزرگ‌ترین دغدغه آموزشی سیاهان حاکم است که در تمام آفریقای جنوبی وجود دارد (ردی ویجی، ۲۰۰۶: ۳۹۲). علت این عقب‌افتادن را مدیر مدرسه آقای موریس با وصف مشغله زیاد، برای ما میهمان ناخوانده (با رویی گشاده و بدون خواستن مجوز یا کارت شناسایی) بیشتر در شرایط خانوادگی بچه‌ها می‌دید:

۱. بچه‌هایی که پدر و مادر آن‌ها به علت بیماری ایدز یا دلایل دیگر مرده‌اند و با پدر بزرگ و مادر بزرگ یا عمویشان زندگی می‌کنند و کمبود محبت و احساس تعلق دارند، در کارشان عقب می‌افتند.

۲. بچه‌هایی که پدر و مادرشان فقیر هستند و لذا در طول روز باید زیاد کار کنند و وقت برای رسیدگی به بچه‌هایشان ندارند.

۳. مضاف بر آن، از آن‌جا که این مدرسه دولتی در محله ثروتمندنشین سفیدپوستان است و بچه‌ها می‌بایست از محله‌های سیاه‌پوست‌نشین (که با فاصله زیاد تا مدرسه بود)

^۱ . Houghton School

به مدرسه بیایند، زمان زیادی برای رفت و آمد از دست می‌دادند و دیگر وقتی برای تمرین در منزل نداشتند.

این بچه‌های خانواده‌های فقیر در عین حال نیز پولی برای پرداخت شهریه مدرسه دولتی نداشتند و اگر قرار می‌بود شهریه پردازند، پدر و مادر به آن‌ها اجازه رفتن به مدرسه را نمی‌دادند. لذا شهریه مدرسه را فقط خانواده‌های سیاه‌پوست قشر متوسط می‌دادند و هزینه مدرسه (در کنار بودجه دولتی) از این طریق تأمین می‌شد. به عبارت دیگر سیاه‌پوستان قشر متوسط، در واقع هزینه تحصیل سیاهان فقیر را نیز می‌دادند و از این نظر ناراضی بودند.

اما بچه‌های این سیاهان قشر متوسط در مدرسه خوب رشد می‌کردند و مدیر و معلمان از آن‌ها راضی بودند.

در پی این سؤال از مدیر که آیا این سیاهان قادرند در آینده موقعیت بالا و نقش‌های مهم اجتماعی را به عهده گیرند، آقای موریس گفت بلی، اما فقط دانش‌آموزان از خانواده‌های متوسط به بالا.

مهم‌ترین مسئله مدرسه را آقای موریس در این می‌دید که تأمین بودجه مدرسه از جانب دولت به موفقیت بچه‌ها بستگی دارد و این فشار زیادی بر معلمان وارد می‌کند: با توجه به این که بنا بر دستور، حداقل ۹۵ درصد از دانش‌آموزان باید در امتحانات موفق شوند (و در افریقای جنوبی در مقایسه با ایران تقلب نمی‌شود)، یک معلم هر روز ۷ ساعت در مدرسه کار می‌کند و مقداری هم در منزل برای تکالیف و آماده کردن خود. اضافه بر آن ۸۰ ساعت در سال نیز آموزش ضمن خدمت دارند و برای این کار سخت، یک معلم سالیانه ۱۲۰۰۰۰ (صد و بیست هزار) رند، یعنی ماهیانه ۱۰۰۰۰ رند (نزدیک به ۱۴۲۸ دلار) دریافت می‌کند و این برای یک دبیر متخصص در سطح کشورهای پیشرفته بسیار کم است. به همین علت از هر ۵ متخصص ۱ متخصص کشور را ترک می‌کند و به مصر، نیوزلند، کانادا و هرجا که بشود می‌رود.

مسئله بعدی تغییرات پی در پی در کشور است. نظام اجتماعی در پی قوانین مختلف تغییر می‌کند و تا شما می‌خواهید خودتان را با این تغییر و شرایط جدید تطبیق دهید، همان شرایط جدید نیز دوباره تغییر می‌کند.

این نارضایتی عمیق در چهره و رفتار معلمان و کارکنان مدرسه کاملاً مشهود بود. آن‌ها بسیار آمرانه و تندخویانه با دانش‌آموزان سیاه‌پوست رفتار می‌کردند. دانش‌آموزان با ترس و هراس فوق‌العاده رفتار و با صدایی بسیار آهسته با مسئولان مدرسه صحبت می‌کردند و اگر دانش‌آموزی خطایی می‌کرد با صدایی بلند بر سر او فریاد می‌زدند. سفیدپوستان از مدیر گرفته تا معلم و مسئول دفتر همه رفتاری عصبی داشتند و دانش‌آموزان کوچک سیاه‌پوست در محیطی بسیار استبدادی تربیت می‌شدند. احتمالاً مسئولان مدرسه چاره‌ای جز این نداشتند. زیرا دانش‌آموزان از محیط‌های فرهنگی آنومیک و آشفته می‌آیند که در آن هیچ قاعده و نظم رفتاری که لازمه یک جامعه مدرن است وجود ندارد. حالا وقتی همه این‌ها با هم در یک جا جمع می‌شوند بی‌نظمی و آشفته‌گی تکثیر می‌شود و کنترل آن به‌جز با روش نظامی ممکن نیست.

در مجموع به نظر می‌رسید که این شرایط آموزشی اولاً با فرهنگ سیاه‌پوستان چه از نظر نظم مدرن و چه از نظر شرایط اقتصادی اجتماعی سازگار نباشد، ثانیاً این شیوه کنترل، تمایل آن‌ها را به درس خواندن و به سفیدپوستان کاهش دهد.

کیویلو و مورو نشان داده‌اند که گرایش به تحصیلات اجباری در نژادهای موجود

متفاوت است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱۰. گرایش به میزان تحصیلات اجباری مدارس ارقام درصد- تعداد نمونه از

اس.ا.اس.ا. اس ۴۹۵۰ نفر

سفید	هندی تبارها	سیاه پوست	
۰	۱	۲	تا ۳ کلاس
۰	۰	۱	تا ۷ کلاس
۶	۱	۳	تا ۹ کلاس
۸۸	۹۳	۷۴	تا ۱۲ کلاس
۳	۳	۱۸	رفتن به مدرسه نباید اجباری باشد
۴	۲	۲	نمی دانم
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

(کیولیو و مورو، ۲۰۰۶: ۱۷۶-۱۹۹).

به طوری که ملاحظه می شود، تمایل به درس خواندن در بین سیاهان کمتر است و آن‌ها بیش از هر گروهی از مدرسه اجباری ابراز ناراحتی کرده‌اند. در مقابل هندی تبارها اشتیاق زیادی به ارتقاء دارند. در صورتی که سفیدپوستان موضعی میانه دارند. کیولیو و مورو می‌افزایند: افرادی که درآمد و تحصیلات بیشتری داشتند، بیشتر متمایل به تحصیلات اجباری در سطح بالاتر بودند و این عدم تمایل سیاهان فقیر را تأیید می‌کند.

از طرف دیگر ۲۹ درصد از سفیدپوستان، ۱۰ درصد از هندی تبارها و ۶ درصد از سیاهپوستان با مدارس مختلط از همه نژادها مخالف بودند (ص ۱۸۱). بنابراین اولاً درصد سفیدانی که با اختلاط نژادی مخالفند بیشتر است و ثانیاً آن‌ها احتمالاً بیشتر به علت نگرانی از کاهش سطح آموزش با این اختلاط آموزشی مخالف باشند.

در مجموع تردید زیادی وجود دارد که این شرایط آموزشی بتواند در طول نسل آینده، دانش آموزان سیاه را به مرحله‌ای برساند که برای اداره جامعه افریقای جنوبی لازم است.

از طرف دیگر با توجه به این که در دانشگاه‌ها نیز سیاهان و رنگین پوستان به تدریج اداره امور را در دست می‌گیرند، در صورت دل‌سرد شدن و کنار کشیدن دانشمندان سفید

(که به نظر می‌رسد این فرایند شروع شده باشد) باید انتظار داشت که سطح علمی این کشور در آینده تنزل کند.

به همین علت با توجه به تضادهای نژادی شدید و نارضایتی هر دو گروه، آینده این کشور بسیار مبهم به نظر می‌رسد. هر دو گروه دارای احساس محرومیت نسبی شدیدی هستند. سفیدان از این که موقعیت و شرایط بسیار خوب خود را از دست داده‌اند و سیاهان از این که مایلند به هر چه که سفیدان داشته‌اند و دارند دست یابند. قواعد بازی دموکراتیک برای حل این مسائل کافی به نظر نمی‌رسند. زیرا سیاهان هم در بخش غیررسمی در این بازی جر می‌زنند و خارج از قواعد عمل می‌کنند و سفیدان را می‌کشند و هم در بخش رسمی قادر به بازی نیستند. در نتیجه اگر این روند ادامه یابد، باید انتظار داشت که در آینده بورهای سفیدپوست که با دادن جان تعداد بسیار زیادی از زنان و فرزندان و مردان خود، این سرزمین عملاً خالی از سکنه را آباد کردند و به این مرحله از تمدن و پیشرفت رساندند، وقتی ببینند که قواعد رعایت نمی‌شود و برعکس، قاعده اصلی "جرزنی" است، آن‌ها نیز با قواعد جدید وارد بازی شوند و از حقوق خود دفاع نمایند. یکی از مهم‌ترین عوامل برای این اقدام شرایط مناسب بین‌المللی خواهد بود.

منابع

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۴) توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Aufsichtsrat des Voortrekkermonuments (1986) *Das Voortrekkermonument Pretoria*, Pretoria: Business Press Centre.
Camerer, Lala (2001) *Corruption in South Africa: Results of an Expert Panel Survey*, Monograph No. 65, South Africa: Institute for Security Studies.

<http://www.iss.co.za/Pubs/Monographs/No65/Contents.html>

Daniel, John; Roger Southall and Sarah Dippenaar (2006) "Issues of Democracy and Governance", in Udesch Pillay; Benjamin Roberts and Stephen Rule (Eds.) *South African Social Attitudes*;

- Changing Times, Diverse Voices*, Cape Town: HSRC Press: 19-39.
- Daniel, John; Jessica Lutchman and Alex Comminos (2007) "South Africa in Africa: Trends and Forecasts in Changing African Political Economy", in Buhlungu, Sakhela; John Daniel; Roger Southall & Jessica Lutchman (Eds.) *State of the Nation*: Pretoria: HSRC Press: 508-532.
- Desmond, Chris and Gerard Boyce (2006) "A Healthy Attitude", in Udesch Pillay; Benjamin Roberts and Stephen Rule (Eds.), *South African Social Attitudes: Changing Times, Diverse Voice*, Cape Town: HSRC Press: 200-221.
- Farwell, Byron (1999) *The Great Boer War*, Chatham: Wordsworth Editions.
- Festinger, Leon (1954) "A Theory of Social Comparison Processes", *Human Relations*, 14.
- Grossberg, Arlene; Jare Struwig and Udesch Pillay (2006) "Multicultural National Identity and Pride", in Udesch Pillay; Benjamin Roberts and Stephen Rule (Eds.) *South African Social Attitudes: Changing Times, Diverse Voice*, Cape Town: HSRC Press: 54-76.
- Kivulu wa Mbithi and Sean Morrow (2006) "What Do South Africans Think about Education?", in: Udesch Pillay; Benjamin Roberts and Stephen Rule (Eds.) *South African Social Attitudes: Changing Times, Diverse Voices*, Cape Town: HSRC Press: 176-199.
- Korpi, Walter (1974) "Conflict, Power, and Relative Deprivation", *American Political Science Review*, 68, No. 4(December): 1569-1578.
- Naidu Sanusha (2006) "Voting Behaviour and Attitudes in a Post-Apartheid South Africa", in Udesch Pillay; Benjamin Roberts and Stephen Rule (Eds.) *South African Social Attitudes: Changing Times, Diverse Voices*, Cape Town: HSRC Press: 40-53.
- Nicoli Nattrass (2007) "Disability and Welfare in South Africa's Era of Unemployment and AIDS", in Buhlungu, Sakhela; John Daniel; Roger Southall & Jessica Lutchman (Eds.), *State of the Nation*, Pretoria: HSRC Press: 179-200.
- Ntsebeza, Lungisile (2005) *Democracy Compromised: Chiefs and the Land in South Africa*, Leiden (Netherlands: Brill): HSRC Press.

- Pillay, Udesh; Benjamin Roberts and Stephen Rule (Eds.) (2006) *South African Social Attitudes; Changing Times, Diverse Voices*, Cape Town: HSRC Press.
- Reddy Vijay (2006) "The State of Mathematics and Science Education", In Sakhela Buhlungu, John Daniel ;Roger Southall & Jessica Lutchman (Eds.) *State of the Nation: South Africa 2005-2006*, Pretoria: HSRC Press: 392-418.
- Rule, Stephen and Bongiwe Mncwango (2006) "Rights and Wrongs? An Exploration of Moral Value", in Udesh Pillay; Benjamin Roberts and Stephen Rule (Eds.) *South African Social Attitudes; Changing Times, Diverse Voices*, Cape Town: HSRC Press: 252-276.
- Southall, Roger (2006): "Black Empowerment and Present limits to a more Democratic Capitalism in South Africa", in Sakhela Buhlungu, John Daniel; Roger Southall & Jessica Lutchman (Eds.), *State of the Nation. South Africa 2005 -2006*, Pretoria: HSRC Press: 175-201.
- SOWETO (- -)¹: March to Freedom (--)
- Walker, Cheryl, (2006) "Delivery and Disarray: The Multiple Meanings of Land Resituation", in Sakhela Buhlungu, John Daniel ;Roger Southall & Jessica Lutchman (Eds.) *State of the Nation: South Africa 2005 -2006*, Pretoria: HSRC Press: 67-92.



¹. دفترچه‌ای برای معرفی شهرک سو و تو و فرایند شورش سال ۱۹۷۶ بدون ذکر نام، سال و محل انتشار.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی